

نقد و بررسی تاریخ ملک آرا

مریم کمالی

مقدمه

در این مقاله سعی داریم در خلال بررسی این کتاب ارزشمند که در حال حاضر به صورت نسخه خطی موجود است، تاریخ نگاری عصر قاجار را در این برهه از زمان مورد بررسی قرار دهیم؛ دوره ای که تاریخ نگاری عصر قاجار همچنان تحت تاثیر اندیشه سنتی نگارش متون تاریخی است. برای انجام این کار پیش از هر چیز تاریخ نگاری عصر قاجار را مورد بررسی قرار می دهیم. سپس با توجه به زمان نگارش اثر به بررسی کتاب **تاریخ ملک آرا** پرداخته و عناصر ساختار و محتوی آن را مورد بررسی قرار می دهیم. لازم به ذکر است که برای درک عمیق تر این کتاب ترجیح می دهیم بخش دیباجه کتاب را هم در بخش ساختار و هم محتوی جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

تاریخ نگاری در عصر قاجار

قاجاریان به تاریخ توجه ای داشتند که سبب تألیف کتابهای تاریخی بسیاری شد. شیوه تاریخ نگاری در این دوره، به سبب تحولات جامعه ایران، متنوع بود و می توان آن را به دو شیوه سنتی و جدید تقسیم کرد. با توجه به اینکه آثار مورد بررسی ما جزو آثاری محسوب می شوند که به سبک تاریخ نگاری سنتی نگارش یافته اند، این شیوه را مورد بررسی قرار می دهیم.

تاریخ نگاری سنتی

تاریخ نگاری سنتی بیشتر در دوره اول حکومت قاجار، یعنی پادشاهی آقامحمدخان، فتحعلی شاه و محمدشاه متداول بود استمرار وقایع نگاریها و مجلس نویسی های دوره صفوی و متأثر از روش اسکندربیک منشی

در عالم آرای عباسی و میرزا مهدی خان استرآبادی در جهانگشای نادری و دُرّه نادری بود. تا پیش از تحولات عصر جدید، ادب و شعر و تذکره نویسی و تراجم احوال با تاریخ مجموعه واحدی تشکیل می دادند و نوشته های تاریخی با آرایه های ادبی، جملات موزون، شعر، مبالغه و تملق آمیخته بود. نویسندگان این تاریخها چون بیشتر اهل ادب بودند، ادیب مورخ نامیده می شوند. در اینگونه تاریخ نگاری، سنجش، نقد و ارزشیابی منابع و نتیجه گیری در کار نبود و مؤلفان، وقایع را بدون در نظر گرفتن روابط علت و معلولی کنار هم می چیدند و از ذکر بسیاری از وقایع به سبب ترس و مصلحت اندیشی یا درک نکردن معنای آنها چشم پوشی می کردند.^۱

نویسندگان این کتابها، مطالب کتابهای یکدیگر را تکرار می کردند و چون فقط به سرگذشت شاهان می پرداختند، از توجه به مسائل اجتماعی و اقتصادی بازمی ماندند. علاوه بر سرگذشت شاهان، به ثبت اسامی امراء، فرزندان و زنان شاهان نیز در این تاریخ نگاریها توجه می شد.

تاریخ نگاران این دوره، بیشتر کاتب و منشی دربار و تحت حمایت بزرگان قاجار بودند، مانند میرزا فضل الله خاوری شیرازی، مؤلف تاریخ ذوالقرنین و عبدالرزاق مفتون دنبلی مؤلف مآثر سلطانی و محمد ساروی مؤلف تاریخ محمدی. برخی نیز از شاهزادگان قاجاری بودند، مانند اعتضادالسلطنه نویسنده اکسیر التواریخ و عضدالدوله سلطان احمد میرزا نویسنده تاریخ عضدی.^۲

تاریخ ملک آرا

تاریخ ملک آرا به قلم علی قلی بن محمد جلاوی مازندرانی متخلص به صبا به نام شاهزاده محمد قلی میرزا به نگارش در آمده است. سال دقیق تالیف کتاب آنگونه که خود نویسنده توضیح می دهد سال ۱۲۴۴ ه.ق است. محمد قلی میرزا ملقب به ملک آرا « تفصیل احوال ما مضی را از ایام صبا الی یوم هذا و هوا و آخر شهر شعبان سنه اربع و اربعین و ماتین بعد الف بی زیاده و نقصان به طرزی بدیع مکتوب اوراق دانست.»^۳

آنگونه که از دیباچه کتاب بر می آید این اثر قرار بوده به تفصیل تاریخ قاجار در شهر استرآباد که مهد حکومت قاجار است بپردازد و جریان حوادث را تا دوران زندگی خود نویسنده یعنی حوالی سال ۱۲۴۴ ه.ق ادامه دهد او موظف بوده: « تفصیل اوضاع آبا و اجداد را که معمول بر ناظران در تواریخ و ناصبان اعلام اخبار است به نگارش آن آثار حوالت کند... مناقب این دولت جاوید و مآثر این سلسله جلیله را از الف ایام و سوابق اعوام الی هذا الزمان اجمالا تفصیلا و تفصیلا تفریعا او تاصیلا را بر رشته بیان آرد و وقایع اوضاع ما را چون وصل فرع به اصل ضمیمه آن کتاب و جزء آن

۱. آدمیت، فریدون، انحطاط تاریخ نگاری در ایران.

۲. منصور صفت گل، «تاریخ نویسی در ایران: از دارالفنون تا برافتادن فرمانروایی قاجاران»، دانشگاه انقلاب، ش ۱۱۲ (پاییز

۱۳۷۸)؛ دانشنامه جهان اسلام.

۳. تاریخ ملک آرا، ص ۶.

اجزاء قرار دهد.^۱

ظاهراً این اثر قرار بوده در دو مجلد به نگارش در آید؛ در جلد اول پس از «ایضاح بعضی مقدمات که از ملزومات وقایع نگاری است... به تشریح و توضیح مجملی از انساب اترک عموماً و طایفه جلیله قاجار خصوصاً و ایراد سبب تمکن و توطن این ایل جلیل به قلعه مبارک که مبارک آباد از حومه استرآباد و باعث هجرت خان ذی شان شاه قلی خان که اصل این شجر و غصن این ثمر و چارمین جد حضرت صاحبقران است تا...» پایان کار آغا محمد خان ادامه دهد و در جلد دوم به حکومت فتحعلی شاه عموماً و ملک آرا خصوصاً بپردازد ولی ظاهر به این کار توفیق نیافته و جلد اول نیز ناتمام می ماند.

بر اساس آنچه گفته شد کتاب **تاریخ ملک آرا** یک کتاب تاریخ محلی است که تاریخ شهر استرآباد را دریکی از مهم ترین برهه های تاریخی این شهر یعنی عصر شکل گیری دولت قاجار مورد بررسی قرار می دهد و از این رو با وجود ناقص بودن کتاب در خور توجه و بررسی موشکافانه است.

ساختار

دیباچه اثر بر روال همه آثاری که از تاریخ نگاری سنتی تبعیت می کنند با حمد و ستایش خدا شروع شده و بعد از نعت پیامبر و امام زمان به ستایش فتحعلی شاه پرداخته و سپس علل و عوامل نگارش اثر را تشریح می کند که پیشتر به آن اشاره کردیم.

کتاب با خط نستعلیق نگارش یافته و ظاهراً خط خود نویسنده است. در برخی بخش ها کلمات و عبارات تکراری دیده می شود که از دقت اثر می کاهد.

زبان متن فارسی است ولی عبارات و اصطلاحات غریب به وفور و کلمات ترکی به ندرت در آن به چشم می خورد. نویسنده کتاب را با حمد خدا به زبان عربی شروع می کند:

« الحمد لله خالق العباد و ساطح المهاد و سبیل الوهاد و مخصب النجاد، ناسخ کل غنیمه و فضل و کاشف کل عظیمه و ازل. لیس لاولیه ابتداء و لا زلیته انقضاء. هو الاول لم یزل و الباقی بلا اجل.»^۲

متن کتاب به زبان مصنوع و دشوار نوشته شده و مشحون از عبارات مغلغ، پیچیده و نامعمول است. به نظر می رسد نویسنده در استفاده از این سبک زبانی به آثار مصنوع پیش از خود از جمله دره نادری و تاریخ جهانگشای نادری اثر مهدی خان منشی مورخ بنام عصر افشار نظر دارد. از جمله در مدح پیامبر آورده است:

« تعقیب، تمهید، تحمید و تمجید ستایش و سپاس سیاتت زاکیات و صلوات متواصلات است. بعدد تکرر نفوس و تکرر انفاس بر روان مطهر مقدر مقادیر ایمان و محرر مناشیر و

۱. همان، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱.

مقرر قوانین ایقان؛ کتابت فص یقین و اصابت نص مراسم دین.^۱

البته این دشوار نویسی تنها مختص به دیباچه اثر نیست و در جای جای اثر به چشم می‌خورد. جایی در وصف علی مردان خان آورده است:

« علی مردان خان مذکور را جز صالح خان بیات هیچ کس مغلوب اقتدار نگشتت و احدی را بر مرام نگزیده . به سببی از اسباب و جهتی از جهات آینه خاطر طرفین به غبار نثار آلود گشت و آن الفت به کلفت تبدیل شد.^۲ »

هنر نمایی نویسنده تنها به کاربرد عبارات عربی و پیچیده ختم نمی‌شود. استفاده از اشعار شعرای متفاوت و نیز کاربرد استعارات و تشبیهات فراوان به متن تاریخی رنگ ادبی می‌زند. در توصیف محمد حسن خان قاجار او را به کیخسرو پسر سیاوش تشبیه می‌کند:

« چو فرخ پدرش از جهان بست رخت
بد آن شاه را مه‌د زربینه تخت
چو فرنگیس وش مادر نا امید
چو کیخسرو وش بی پدر پرورید^۳ »

این افراط گاه تا آنجا پیش می‌رود که خواننده را از محتوی باز می‌دارد ولی این بیان همیشه از لطف خالی نیست. مثلاً در توصیف حمله سپاهیان زند به مازندران آورده است: « شیخ اویسی و دیگر سرداران زند چون ساحات مازندران از شاه و سپاه تهی دیدند و عرض آن ولایت از مولی و والی خالی، بی ممانعت مانعی و مدافعت واقعی مانند صخور صلاب که از فراز کوه ساری گردد یا چون سیلاب که از قله جبال جاری از سه جانب وارد بلده ساری شدند و با عموم اهالی آن بر و بوم چندان قرار بی اعتدالی دادند که شرح آن در متون این کتاب ننگد.^۴ »

او از ابزار شعر نه تنها برای زیبا ساختن اثر که در تحلیل مطالب نیز بهره می‌جوید. به عنوان نمونه او در مورد قدرت گرفتن آزاد خان افغانی در آذربایجان از زبان فردوسی آورده است:

« چو بیشه تهی گردد از نره شیر
شغال اندر آید به بیشه چو شیر^۵ »

نویسنده تا آنجا که امکان دارد سعی می‌کند از کاربرد واژه‌ها و عبارات تکراری پرهیز کند و برای کلمات هم معنی عبارات متفاوت به کار برد. نکته در خور توجه اینکه نویسنده در بخش‌هایی از کتاب که ظاهراً از زبان شخص دیگری بیان شده و خواننده لحن دیگری را طلب می‌کند باز نویسنده از عبارات خود استفاده می‌کند. به عنوان نمونه در نامه نواب جهانسوز شاه به کریم خان زند هیچ تفاوتی در سبک نگارش نسبت به بقیه کتاب دیده نمی‌شود؛ این مساله می‌تواند به اعتبار کتاب لطمه وارد کند.

۱. همان، ص ۲.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. همان، ص ۳۲.

۴. همان، ص ۲۲۴.

۵. همان، ص ۶۲.

محتوی

همان گونه که اشاره کردیم **تاریخ ملک آرا** به تاریخ محلی مازندران در دوره شکل‌گیری قدرت قاجارها می‌پردازد که سرانجام پس از افت و خیزهای فراوان آغا محمد خان به حکومت رسیده و سلسله قاجار را شکل می‌دهد. نباید از نظر دور داشت که این کتاب تنها بخشی از اثری است که نویسنده قصد نگارش آن را داشته است ولی بر اساس مطالب به جا مانده می‌توان گفت که نویسنده بیش از آنکه درگیر تاریخ مازندران باشد به ایل قاجار می‌پردازد و آنها را در همه جا از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق تعقیب می‌کند.

نویسنده علت نگارش کتاب را پر کردن خلاهایی می‌داند که به زعم نویسنده محمد ساروی مولف کتاب جهانگشای خاقان در انجام آن ناکام مانده است:

« مولا محمد ساروی به علت نقصان استحضار با فقدان اقتدار مجاری اوضاع اجداد اکرام را من الوجود ایراد نمود و مآثر خاقان شهید را که مقصد اصلی و مطلب کلی بود به نحوی که شاید به حیز تحریر نیاورد و غزوات غزا و فتوحات عظمی آن پادشاه ستوده انجام را که از عجایب شهر و اعوام است در سلک کتابت انتظام نداد...^۱»

مشروعیت بخشیدن به سلسله قاجار مهم‌ترین هدف نویسنده است. او تلاش دارد از همه امکانات برای دفاع از حقانیت سلسله قاجار استفاده کند. نویسنده برای انجام این مهم از ابزارهای مختلف بهره می‌جوید. اولین ابزار گناهکار قلمداد کردن نادر شاه رقیب فتحعلی خان قاجار است. فتحعلی خان قاجار که مدتی فرمانده سپاه تهماسب شاه دوم در مصاف با افغان‌ها و دیگر رقبای داخلی است سرانجام به قتل می‌رسد و رقیب غجویای نام او، نادر قلی افشار به جای او به قدرت می‌رسد. نویسنده کشته شدن نادر را به سعایت نادر و دور از اراده شاه تهماسب می‌داند:

« شاه را در طبیعت ضجرت و ندامت افزود و چون اعادت تیر جسته از کمان و حرف رفته از دهان محال بود تا دوباره آبی بر روی محبت آرد و آن غاله را فی الجمله تلافی نماید. امرای قاجار را از گرفتاری مطلق گردانید و زیادت استمالت فرمود و اجازت داد تا با نهجی شایان نعلش پاکش را از خاک بردارند و به خاک سپارند...^۲»

از نظر نویسنده افسار قدرت نه در دست سلسله صفویه که از شجره ائمه است که در دست شاه تهماسب که در اختیار نادر است؛ امری که جایگاه نادر را در نظر نویسنده در حد یک غاصب کاهش می‌دهد: « سخت دلی بین و سست عهدی نگر که با آن همه سابقه عنایت و لاقحه مصاهرت بر جان و جوانی اولاد رسول نبخشوندند و چهره مهر و رافت به ناخن عذر و مشانخت بخشود و شجره طیبه آن سلسله جلیله را که سیادت اصل سلطنت فرع بود به علت امارت پنج روزه بر کردند و

۱. همان، صص ۱۳-۱۲.

۲. همان، صص ۳۱-۳۰.

خاک در دیده انصاف آکند.^۱

هرچند نویسنده سعی می‌کند با راه رفتن بر جاده اعتدال و انصاف از اشخاصی چون شیخ علی خان زند و کریم خان که رفتار توأم با احترامی نسبت به بازماندگان محمد حسن خان قاجار دارند به خوبی یاد کند،^۲ ولی وقتی پای آغامحمد خان و به تعبیر او « ظل الله » به میان می‌آید. نگاه و در نتیجه لحن نویسنده متفاوت می‌شود.

او در جای جای کتاب از بخشش، عطوفت، اطلاق و اعطای صلح و پاداش آغامحمد خان سخن می‌گوید. در این اثر آغا محمد خان مردی است که با وجود شکست از لطفعلی خان زند شکست را « بنا بر مصلحت وقت و اقتضای زمان مانند روح در مجاری اعضا نهفته می‌داشت و نگفته می‌انگاشت، مقدار سه هزار دینار زر را از مهر حلال انفاد... شهریار بی‌همال فرمود تا بر فقرا و ضعفا و مساکین و بی‌نویان قسمت رفت. وسیله دعای مزید عمر و بقایای مزید و بقای دولت گشت.^۳»

بزرگ منشی و سخاوت آغا محمد خان تا آنجا پیش می‌رود که اهالی کرمان که از زخم شمشیر قهر او در امان نماندند « از حاکم و محکوم و ظالم و مظلوم شرف استقبال دریافته^۴» به پیشباز مرگ می‌روند.

البته او در ادامه با زبانی که یکسره از ایهام خالی نیست به جنایات آغامحمد خان در کرمان اشاره می‌کند: « از فرقه کرمانی و طوایف زند و سیستانی جمعی کثیر اسیر و به فرمان خدیو جهانگیر در حضور عرصه شمشیر ساختند، چنان که از خون کشتگان روستا و شهری نه‌ری جاری گشت و از خبث کشته‌ها پشته‌ها مرتب شده. ای بسا طفل که خط بر گرد عذارش نادمیده و بالغ به مرتبه کهولت نارسیده و کهل که قدم در مرحله شیخوخیت نانهاده؛ زبان تیغ جواز نامه عالم فنا یافت.

اما مهم‌ترین عاملی که نویسنده با کمک آن به حکومت آغامحمد خان مشروعیت می‌بخشد قدرت شمشیر اوست که چون برهانی قاطع بر سر دشمن فرود می‌آید و کار را یکسره می‌کند. ملک آرا شاهزاده قاجاری در فضایل آبا و اجداد خود آورده است: « آبا و اجداد ما را ... این پیشنهاده بود که با معاندین خود کار به شمشیر دو رو بکرو می‌کردند و از جمله به حيله نمی‌پرداختند.^۵»

مردانی که سوار بر اسب بر خاک کارزار می‌دوند و سر رقیب را به زیر می‌کشند حق حکومت دارند. زندها به علت بی‌توجهی به امور و مشغول شدن به عیش و خوش‌گذرانی طعم تلخ شکست را می‌چشند.^۶ پرداختن به امور اجتماعی و مردمی که به هر نوع قربانی این تاخت و تازهای بی‌امان اند در حد اشاره به

۱. همان، ص ۳۲.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. همان، ص ۳۲۰.

۴. همان، ص ۳۳۶.

۵. همان، ص ۱۴۰.

۶. همان، ص ۱۸۲.

قحطی و طاعون کاهش می یابد: « مردم از فرط قحط و غلا به اغذیه غیر معتاد که مضر مزاج و موذی طبع است علی‌الاضطرار اشتغال نمودند. در امزجه امراض مختلفه تولد کرد.^۱»
نگاه قضا و قدری نسبت به علل رویداد وقایع باعث شده است که نویسنده به عمق مساله نپرداخته و در نتیجه نتواند تحلیل درستی از وقایع داشته باشد: « نیک و بد امور دهور بسته تقدیر قدر است و خیر و شر مهام انام موقوف اقتضاء قضا.^۲»

این نگاه اجبار گرایانه تا پرداختن به ساعات سعد و نحس سقوط می کند: « حرکات کواکب از ممثل و حامل و مدیر و تدویر و حاوی و محوی در غایت اختلاف است و اوضاع و اشکال فلکی بر قرار ثابت نیست. لامحاله تاثیرات سعود و نحوس و نعیم و بوس ثابت و سیار بر یک قرار استمرار نخواهد داشت. وقتی آدمی را قرین انواع غنا و ندیم انحاء ابتلا دارد و گاهی بر کمال آمال و امانی حایز و بر غایت شهوات نفسانی و مدارج کامرانی فایز.^۳»

در این کتاب مطالب جالب توجهی در مورد نحوه قدرت گرفتن فتحعلی خان، محمد حسن خان و سرانجام آغا محمد خان قاجار دارد که در آثار دیگر کمتر با این دقت و نکته سنجی به آن پرداخته شده است و همین امر بر ارزش اثر می افزاید.



۱. همان، ص ۲۱۸.

۲. همان، ص ۲۲۵.

۳. همان، ص ۲۳۴.

